

انترناسیونال



حزب کمونیست کارگری ایران

انترناسیونال شماره ۹۸۵

جمعه ۲۱ مرداد ۱۴۰۱ - ۱۲ اوت ۲۰۲۲

اتحاد علیه سرکوب

تدوین شده بر مبنای مصاحبه با کانال جدید
صفحه ۳

عاشورای دولتی از خیابان های اصلی تورنتو جمع شد

گفتگو با بابک یزدی دبیر واحد حزب در شرق کانادا
صفحه ۶

بار دیگر دار و دسته حکومت اسلامی

را در کانادا شکست دادیم!



بسط عاشورای جمهوری اسلامی از تورنتو برچیده شد!

صفحه ۱۵

در رابطه با دستگیری چهار پیشمرگ

یک سوال از عبدال گلپریان دبیر کمیته کردستان حزب
صفحه ۷

در گرامیداشت یاد محمود شفاعت (تقی پاک ایمان)

متن سخنرانی مینا احدی در برنامه گرامیداشت یاد تقی پاک ایمان، "محمود شفاعت" در شهر فرانکفورت آلمان در تاریخ شنبه ۶ ماه آگوست ۲۰۲۲
صفحه ۸

سخنی به مناسبت سالروز ۲۸ مرداد ۵۸

نسان نودینیان
صفحه ۹

نامه مینا احدی به وزارت امور خارجه آلمان

صفحه ۱۱

پناهجویان ایرانی در ترکیه تنها نیستند

فدراسیون سراسری پناهندگان ایرانی
صفحه ۱۴

اطلاعیه های حزب کمونیست کارگری کمیته مبارزه برای آزادی زندانیان سیاسی کمپین برای آزادی کارگران زندانی کمیته بین المللی علیه اعدام

صفحات ۱۲ و ۱۳ و ۱۴

حکومت قصاص و اعدام و قطع عضو باید از جامعه بشری جaro شود

حزب کمونیست کارگری ایران

انگشتان دست دو زندانی محکوم به سرقه را قطع کرده اند. آخرین مورد آن قطع چهار انگشت یک زندانی در زندان اوین در روز پنجم مرداد بود. این احکام با دستگاهی شبیه گیوتین و در حضور دادستان و دیگر مقام های قضایی اجرا شده است. به یک محکوم به قطع انگشت دست گفته شده می تواند پول پرداخت کند تا انگشتانش بعد از قطع شدن فریز شود که بعدا عمل پیوند انجام دهد.

روز ۲۱ خرداد هفت زندانی محکوم به قطع انگشتان دست در زندان تهران بزرگ، جهت اجرای حکم به خودرو مخصوص اعزام منتقل شدند. اما به دنبال امتناع چند تن از این زندانیان و بروز درگیری با ماموران زندان، تاکنون انتقال آنها جهت اجرای حکم به تعویق افتاده است.

این احکام پیشرفته در بیدادگاه های جمهوری اسلامی و بر اساس اقرار زندانیان در زیر شکنجه، بدون ادله و ابتدایی ترین شواهد و اساساً بدون دسترسی زندانی به وکیل به انتخاب خود زندانی صادر ادامه در صفحه ۲

جمهوری اسلامی در هفته ها و ماههای اخیر سیاست شنیع قصاص و مجازاتهای اسلامی نظیر قطع دست و انگشت و کور کردن و اعدام را تشدید کرده است. این در واقع اعلان جنگ علیه مردمی است که مصممند خود را از شر این حکومت چپاولگر و متحجر و ضد انسانی خلاص کنند. اعلان جنگ به مردمی است که علیه کل مقدسات اسلامی بپا خاسته اند و خشم و اعتراضشان را هر روز و در سراسر کشور به اشکال مختلف اعلام میکنند و هر جنایت و سرکوبی را با اعتراض پاسخ میدهند.

روز ۱۱ مرداد حکم کور کردن یک زن و دو مرد برای انجام مقدمات اجرای حکم به دادرسی جنایی تهران فرستاده شده است. حکم کور کردن چشم این زن به اجرای احکام منتقل شده و او در انتظار اجرای این حکم در زندان به سر می برد. گفته اند از آنجا که امکان اجرای این حکم در استان کرمانشاه میسر نیست، قرار است شعبه سوم اجرای احکام دادرسی جنایی تهران آنرا اجرا کند.

جلادان زندان اوین از روز ۱۰ خرداد تا کنون

ادامه از صفحه ۱

شده است. اما اگر همه این ملزومات هم رعایت شود از شناخت و توحش چنین احکامی کم نمی شود. صدور حکم قطع اعضای بدن خود جرم و جنایتی بمراتب سنگین تر و ضدانسانی تر از اتهامات وارده به قربانیان چنین احکام و حشیانه ای است. قصاص عضو شکنجه ای قرون وسطایی است و در یک سیستم قضائی مدرن آمرین و عاملین آن مجرم محسوب میشوند و باید تحت پیگرد قرار بگیرند.

بر اساس گزارشات منتشر شده، در روز ۳۰ فروردین امسال قوه قضائیه در نامه‌ای به دادگستریهای سراسر کشور دستور داده است که برای تعیین تکلیف و اجرای احکام اعدام و قطع عضو محکومان با قید فوریت اقدام کنند. پیرو این ابلاغیه قضات و دادستان های حکومت به تکاپو افتاده تا مقدمات صدور و اجرای وحشیانه ترین احکام قصاص اسلامی را فراهم کنند از جمله قاضی محمدحسین درودی دادستان مرکز خراسان رضوی گفته است که مبارزه با سرقت و زورگیری از طریق صدور احکام قاطع قضایی یکی از اولویت های اصلی دستگاه قضایی است و هیچگونه اغماضی در برخورد قانونی با یغماگران اموال صورت نمی گیرد.

این گوشه ای از کارنامه سراپا وحشیگری و بیرحمی ابراهیم رئیسی و کل ماشین جنایت حکومت است. او

«حکومت قصاص و اعدام و قطع عضو»

باید از جامعه بشری جاوشود»



و زندانی کرده اند.

در زمان حضورش در قوه قضائیه گفته بود: «قطع دست سارقان بر اساس حدود الهی بوده و این حدود الهی از افتخارات بزرگ ماست.» و حالا بعنوان رئیس جمهور حکومت مشغول کسب مدال های افتخارش شده است. در دوران رئیسی در عرض یک سال از ۱۲ مرداد ۱۴۰۰ تا ۱۱ مرداد ۱۴۰۱، حداقل ۵۲۱ زندانی اعدام شده اند که ۶ نفر از آنها هنگام ارتکاب جرم کودک بوده اند. در این سال حداقل ۷ زندانی زیر شکنجه به قتل رسیده اند و تعدادی از زندانیان بدلیل اعتصاب غذا و یا تاخیر در معالجه جان باخته اند. اعدام در ملاء عام نیز از سر گرفته شده است. همزمان با این وحشیگری ها، نیروی بیشتری برای تحمیل حجاب به زنان روانه خیابان ها کرده اند، مقررات اسلامی را در ادارات تشدید کرده اند، سرکوب بهائیان را افزایش داده اند و فعالین سیاسی و اجتماعی بیشتری را احضار

آیت الله های حکومت، مقامات دولت و نمایندگان مجلس اسلامی، مقامات سپاه و سایر نیروهای سرکوب پرونده های قطوری از دزدی و اختلاس و یغمای اموال مردم دارند اما همانها علیه مردم فقیر و محرومی که بدلیل فقر مطلق به خشونت کشیده شده و یا دست به سرقت های ناچیزی زده اند و یا زنده اند، قانون قصاص کوری چشم و قطع انگشت وضع میکنند. شهرداران و پیمانکاران در پناه قانون و حمایت دستگاه قضایی و نیروی سرکوب و امام جمعه ها حقوق ناچیز میلیون ها کارگر را میدزدند و کارگر معترض را زندانی میکنند. صندوق ذخیره بازنشستگان و معلمان را ارگانهای حکومت بالا میکشند و معلم و بازنشسته معترض را تهدید و زندانی میکنند. دزدان میلیاردی مردم را به فقر مطلق رانده اند و سیستم قضایی شان حکم قطع

انگشت یا اعدام علیه همین مردم صادر میکنند تا به گفته خودشان «جامعه احساس امنیت بکنند!» اعلام کرده اند کسی که برای بار چهارم دست به سرقت بزند حتی اگر سرقت بار آخر در زندان اتفاق افتاده باشد اعدام میشود. قربانیان، میلیاردرها و دزدانی که اندوخته صدها هزار نفر را بالا کشیده اند نیستند. قربانیان افرادی هستند که هم از نان و معاش در خور انسانی محروم شده اند و هم وحشیانه توسط دزدان حاکم شکنجه و نقص عضو میشوند.

جمهوری اسلامی غرق در بحران تصور میکند که یک جامعه در آستانه انفجار را میتواند با توسل به این اقدامات وحشیانه و سیاست های آبرویخته و شکست خورده، ساکت کند. اما در همین مدت جنبش بیحجابی وسیعاً گسترش یافته و طنز و تمسخر مذهب و اسلام ابعاد بیسابقه ای یافته است. خشم و اعتراض از همه جا زبانه میکشد. این جامعه ای نیست که کوتاه بیاید. حتی برخی حسینیه ها و هیئت های مذهبی حکومت نیز که قرار بود پایگاهی برای مدح و ثنای حکومتیان باشند، دارند به مکانی برای لعن و نفرین حکومت و مقاماتش تبدیل میشوند.

این رفتارها مشخصات حکومتی است که امیدي به ادامه حیات ندارد. حکومتی که میدانند این اعمال قرون وسطایی که مشخصه آن از ابتدای به

قدرت رسیدن بوده است، خشم و انزجار جامعه را بیشتر میکند و در سطح بین المللی نیز بی آبروتر خواهد شد. میدانند که مردم پاسخ این وحشیگری ها را با خیزش و اعتصاب و اعتراض و زدن زیر همه مقدساتش خواهند داد. اما راه دیگری برای عقب راندن جامعه ندارد. مردم بخوبی از وضعیت آشفته حکومت و بن بست هایش آگاهند و هر روز صفوف خود را در مقابل آن محکم تر میکنند.

جلو این اعمال وحشیانه دزدان اسلامی را میتوان و باید گرفت. نباید اجازه داد که جنایتکاران ضد بشری حاکم بیش از این توحش عهد عتیقی را به صحنه جامعه بازگردانند. به شیوه های مختلف در همه جا باید نسبت به مجازاتهای اسلامی و وحشیانه ابراز انزجار کرد. این حکومت ننگ جامعه بشری است.

باید با نامه و بیانیه و طومار و آکسیون و فشار افکار عمومی به هر شکل ممکن شمار هر چه بیشتری از دولتها را وادار کرد دست از مماشات با جمهوری اسلامی بردارند و بدلیل اینهمه جنایت که زبان از توصیف آن عاجز است آنرا بایکوت کنند.

حزب کمونیست کارگری

ایران

۱۹ مرداد ۱۴۰۱، ۱۰

اوت ۲۰۲۲

جنبش علیه حجاب جنبش علیه تحقیر و توهین به زنان، ضد مذهبی و ضد اسلامی و بخشی از حرکت عظیم مردم برای خلاصی از شر این حکومت ضد انسانی است. جنبشی که مهر برابری و فرهنگ آزاداندیشانه و انسانی را بر سیاست و فرهنگ جامعه میکوبد. این یک جنبش عظیم حق طلبانه و بخشی از جنبش سرنگونی است و هر چه بیشتر تقویت شود امر سرنگونی حکومت منحوس اسلامی را نزدیکتر میکند و باید با تمام قوا تقویت شود.



اتحاد علیه سرکوب حمید تقوایی

تدوین شده بر مبنای مصاحبه با کانال جدید

شهلا دانشفر: وقتی به اوضاع جامعه نگاه میکنید از یک طرف می بینید که فضا بشدت انفجاری است، جنبش های اجتماعی سازمان یافته تر، تعرضی تر و رادیکالتر هر روز قدرتمندتر به میدان میایند و در کف خیابان دارند آشکارا کل حاکمیت را به نبرد می طلبند. از طرف دیگر حکومت را می بینید که اجرای احکام مجازاتهای اسلامی را وحشیانه تشدید کرده است. اعدام ها را تشدید کرده است و سرکوبگرهایش را شدت داده است. در این شرایط یک نهیب هر روزه مقامات حکومتی به یکدیگر گوشزد کردن خطر انقلاب مردم است. در عین حال همه مردم دارند از رفتن بودن این حکومت سخن میگویند. به عبارت روشنتر جامعه بسوی تحولی عظیم در حرکت است و در این میان این بحث هم مطرح است که جمهوری اسلامی دارد سرکوب میکند و مثل خیزش های قبلی جامعه را عقب میزند. اما در عین حال این بحث هم وسیعاً مطرح است که بدنیاال خیزش های مردمی ای که جامعه پشت سر گذاشته، تحولات زیادی روی داده است و آنچه امروز در جامعه میگذرد ادامه خیزش آبان است در ابعادی عمیق تر و ما شاهد جدالی هر روزه میان مردم و کل حاکمیت هستیم. حمید تقوایی تصویر و تبیین شما از این اوضاع و احوال چیست؟ از نظر شما جمهوری اسلامی در چه موقعیتی قرار دارد؟

حمید تقوایی: در مورد

این آخرین سوال باید بگویم که جمهوری اسلامی در ضعیفترین موقعیت خودش در این چهار دهه و

اندی قرار گرفته است. اینکه سرکوب میکنند تازه ای نیست. از روز اول این حکومت زده و بسته، دستگیر کرده، پرونده سازی کرده، اعدام کرده ولی با این همه و علیرغم این سرکوبگرهای جنبشهای اعتراضی، چه جنبش کارگری و چه جنبش های مختلف جامعه، نه تنها عقب ننشسته اند بلکه گسترده تر و تعرضی تر شده اند و امروز بروشنی این را مشاهده میکنیم. میخواهم بگویم که جدا از هر تحلیلی یا تئوری ای اگر شما تجربه چهار دهه و اندی حکومت جمهوری اسلامی را در نظر بگیرید می بینید که مدام اعتراضات متشکلاتر و وسیعتر، با چهره های شاخص تر، با نهادها و کمیته هایی که تشکیل شده، با انجمن ها و شوراهای، به پیش رفته است. مثلاً مبارزات سراسری کارگران در بخشهای مختلف، اعتصاب و مبارزه کارگران نفت که مدتها می گفتند صنعت نفت تحت کنترل شدید حکومت است و غیره در یک سطح سراسری شکل گرفت. از سوی دیگر خیزشهای ۹۶ و ۹۷ و شورشهای متعدد شهری نیز ارکان حکومت را لرزاندند. است. میخواهم بگویم مستقل از هر تحلیلی اگر روند عینی اوضاع و این سابقه را در نظر بگیرید می بینید که علیرغم تشدید سرکوبگرها مبارزات هرچه گسترده تر و تعرضی تر شده است. آخرین نمونه خیزش زنان علیه حجاب بود که حکومت را به ستوه آورد و ادار به عقب نشینی نمود. از نرو باید گفت هدف حکومت از این سرکوبگری ها برآورده نشده است. حکومت با این سرکوبگری ها میخواهد جامعه را آرام کند، میخواهد یک

گورستان درست کند، میخواهد اختناق را حاکم کند اما کاملاً در این سیاست شکست خورده است. این ارزیابی من از این وضعیت است.

شهلا دانشفر: حزب

کمونیست کارگری در برابر این سرکوبگری ها کارزار "اتحاد علیه سرکوب" را در دستور گذاشته است. جایگاه و اهمیت این کارزار چه هست و چطور میشود آنرا قدرتمند بچلو برد؟

حمید تقوایی: ضرورت

واقعی این کارزار پاسخگوئی به بازداشتها و پرونده سازیهای امنیتی حکومت علیه مردم معترض و علیه فعالین جنبشهای اعتراضی است. این مساله ای است که همه مردم و همه جنبش های اعتراضی با آن روبرو هستند. سرکوب و دستگیری و بازداشت و پرونده سازی و اعترافگیری اجباری و محاکمات فرمایشی فقط به یک جنبش معین محدود نیست. کارگران، معلمان، بازنشستگان، زنان، جنبش علیه حجاب، جنبش دادخواهی، کشاورزان که برآمدهای مختلفی داشته است و همه جامعه همین مساله را دارند. اگر دقت کنید یک خواست همه این جنبشها، با هر مطالبه ای شروع کرده باشند، آزادی فوری دستگیر شدگان است. این بطور عینی و واقعی یک خواست عمومی است.

حکومت شمشیر

کشیده علیه همه جنبشها و مردم معترض در خیابان، تظاهراتها، تجمعات و اعتصابات و غیره. کسی مثل سپیده رشنو را که یک دختر شجاع است و فعال

سیاسی به آن معنا نیست بلکه یک شهروند عادی جامعه است که آزادی میخواهد دستگیرش میکنند و شکنجه اش میکنند و به اعتراف علیه خود وادارش میکنند. همه جامعه را این سرکوب وحشیانه در بر گرفته است. روشن است در این شرایط جواب، اتحاد علیه سرکوبها است: اتحاد جنبشهای اعتراضی، اتحاد فعالین در هر عرصه ای، اتحاد کمیته ها و نهادهای مبارزاتی در جنبش کارگری در جنبش زنان و در جنبش های مختلف، اتحاد چهره ها و افراد معترض که بیانیه میدهند، طومار منتشر میکنند و امضا جمع میکنند و یا در مدیای اجتماعی موضع میگیرند و کلیپ پر میکنند. باید یک صدا در کنار هم در برابر توحش رژیم ایستاد. از آنجایی که سرکوب امری است فراگیر و علیه همه جنبش هاست طبعاً جواب هم اتحاد فراگیر علیه سرکوب بوسیله همه جنبش ها و همه معترضین است. بسادگی منطبق این فراخوان ما این است.

شهلا دانشفر: از نظر

شما تا چه حد زمینه های این اتحاد علیه سرکوبگرهای حکومت و همبستگی مبارزاتی بین مردم فراهم است و تا چه حد جامعه در این زمینه جلو رفته است؟

حمید تقوایی: زمینه

اش فراهم هست بخاطر اینکه ما داریم می بینیم که جنبش ها دارند عملاً به این سمت حرکت میکنند. همه دارند حمایت میکنند از فعالینی که دستگیر شده اند، بخصوص جنبش

کارگری سابقه درخشانی در مبارزه علیه سرکوبگری ها دارد. این جنبش در مبارزه علیه شکنجه، مبارزه علیه بازداشت ها، مبارزه علیه پرونده سازی ها، در خط مقدم است. امروز کل جامعه به سرکوبگری حکومت معترض است کما اینکه می بینیم همه در حمایت از سپیده رشنو به میدان آمده اند و همه معترض هستند. به این معنا میخواهم بگویم که زمینه های عینی فراگیر شدن و پیشروی کارزار اتحاد علیه سرکوب وجود دارد.

یک خواست مشترک همه جنبش ها نه فقط آزادی فعالین خودشان بلکه آزادی همه زندانیان سیاسی است. این خواست جنبش دادخواهی است، خواست جنبش کارگری است، خواست جنبش معلمان است، به این معنا زمینه های این اتحاد وجود دارد. فکر نمیکنم کسی باشد که ضرورت این اتحاد را زیر سوال برد یا فکر کند که الان اولویتی ندارد و غیره. در همه جنبش ها گامی که باید برداشت این است که همه فعالین در کنار هم اعتراض کنند، فراخوان بدهند، فراخوان به تجمع، فراخوان به اعتصاب، فراخوان به تظاهرات علیه دستگیری ها. خواست آزادی بازداشتی ها و همه زندانیان سیاسی فی الحال سراسری شده است اما باید با در کنار هم قرار گرفتن همه فعالین گامی بچلو برداشت و در سطح عالی تری این اتحاد را شکل داد.

اتحاد عليه سرکوب

ادامه از صفحه ۳

شهلا دانشفر: یک تاکیدی که ما داشته ایم اتحاد جنبشهای اجتماعی حول خواستهای سراسری بود. و این اتحاد بستر آماده ای دارد. از جمله وقتی نگاه میکنیم معلم، کارگر، بازنشسته، پرستار، دانشجوی، مادر دادخواه، خانواده دادخواه همه اینها اعتراضاتشان محورهای مشترکی دارد. یعنی خواستهای مشترکی آنها را به هم وصل میکند. فصل مشترک همه شان خواست پایان دادن به کل این بساط توحش و بردگی است. همه اینها علیه فقرند، علیه تبعیض هستند، علیه نابرابری اند، علیه اختلاس اند و علیه سرکوبند. در همین بستر می بینیم که حتی شعارهای اعتراضی تکثیر میشوند. و در خیلی مواقع این جنبش ها را در کف خیابان کنار هم می بینیم و همانطور که اشاره کردید جنبش کارگری کنار جنبش رهایی بخش زن، بازنشستگان و بخش های دیگر جامعه بر سر موضوعات مختلف اجتماعی بیابنه های مشترک میدهند. و ما این را در اول مه، در هشت مارس، در مناسبت های مختلف و در همبستگی های مبارزاتی با یکدیگر شاهد بوده ایم. اتحاد علیه سرکوب نیز یکی دیگر از موضوعات مبارزاتی است که میتواند بخش های مختلف اجتماعی و مردم در سطح جامعه را کنار هم بگذارد تا بتوانند با قدرت بیشتری در مقابل تعرضات حکومت بایستند و مبارزات خود را به جلو ببرند. به این معنا که وقتی حکومت بطور مثال به معلمان تعرض میکند، کل جامعه را هدف قرار داده است و همه مردم باید متحد علیه آن بایستند. با اتحاد مبارزاتی باید ابزار سرکوب را از حکومت

مشارکتی بدهند به اعتراض، به تجمع، به تظاهرات، به اعتصاب هر جا که ممکن است برای آزادی همه زندانیان سیاسی. میتوانند مشخصا لیست مشترکی بدهند از دستگیرشدگان چند ماه اخیر. لیست مشترکی بدهند از دستگیری ها در جنبش بازنشستگان، جنبش معلمان، جنبش آزادی زن، جنبش علیه حجاب، جنبش دادخواهی و جنبشهای اعتراضی دیگر و یکصدا خواهان آزادی همه بشوند. این خیلی مهم است که ما یک فراخوان مشخصی داشته باشیم با ده ها امضا نه فقط از افراد، بلکه از نهادهای، کمیته ها، انجمن ها و شوراهای مبارزاتی که بارها فراخوان داده اند. بقول شما در هشت مارس ها و اول ماه مه ما می بینیم که بیابنه های مشترک زیادی از طرف آنها داده میشود. در این مورد معین هم بحث این است که این نهادها و فعالین در کنار هم قرار بگیرند، با یک صدای واحد و مشترکی فراخوان و بیابنه بدهند و خواهان آزادی همه بشوند. میشود طومار تهیه کرد، میشود در سطح مدیای اجتماعی گفتمان براه انداخت و فضای مدیای اجتماعی را کاملا گرفت، میشود در سطح خیابان تجمع تظاهرات گذاشت، غیره. من وارد جنبه های عملی و مشخص نمیشوم فقط میخواهم بگویم که از نظر جهتگیری عمومی قدمی که باید برداشته بشود اتحاد و فعالین جنبش های مختلف است علیه سرکوب. بنظر من این اولین گام مهمی است که میتواند این کارزار بجلو بردارد.

شهلا دانشفر: همانطور ی که اشاره کردید به درجه ای الگوهایی را خود جامعه از این متحد شدن علیه سرکوبگری های حکومت را بدست داده است.

به آن ساختار و ابعاد سازمانی داد. و همانطور که اشاره کردید رهبران و اکتیویست های جنبشها نقشی کلیدی در این زمینه دارند. بنابراین در اینجا سوال من اینست که چگونه میشود این نقش کلیدی را ایفا کرد و مشخصا سخن شما با اکتیویستها و فعالین اجتماعی و کسانی که برنامه ما را می بینند چیست؟

حمید تقوایی: ابتدا اینرا بگویم که این اتحاد علیه سرکوب باید متعین بشود، باید شعار معینی داشته باشد، باید خواستی داشته باشد که همه جامعه از آن حمایت کند. فرض کنید با شعار همه علیه سرکوب. بقول شما معلمان بسیاری مواقع فراخوان میدهند، اعتراض میکنند و خواهان آزادی فعالین خودشان و همه زندانیان سیاسی میشوند. ولی اگر شعار همه علیه سرکوب یا اتحاد علیه سرکوب را اعلام کنند و فریاد بزنند آن موقع به جنبش همه علیه سرکوب شکل داده اند. مثل جنبش دادخواهی که اسم و رسم دارد، فعال دارد، معرفی شده است و امضا دارد. یا جنبش علیه سرکوب، یا کارزارهای جاری فرض کنید برای اضافه دستمزد که یک جنبش مشخص است با شعارهای خودش با خواستهای خودش. به همین شکل جنبش اتحاد علیه سرکوب هم میتواند متعین و معرفی بشود. "همه علیه سرکوب" باید به گفتمان تبدیل بشود و باید در فراخوانها و اطلاعیه ها به هر حرکت اعتراضی شعار همه علیه سرکوب نقش ببندد. جمهوری اسلامی علیه همه جامعه شلاق میکشد چرا که همه جامعه، نودونه درصد مردم، الان معترض هستند، خشمگین هستند، متنفر هستند از حکومت و بخش فعالی از جامعه در سطح گسترده به خیابانها آمده اند، تجمع میکنند، اعتراض میکنند. زنان حتی بطور ادامه در صفحه ۵

بخصوص معلمان پیشتر کارزارهای قدرتمندی بوده اند. آنها دادگاهها را به صحنه اعتراضاتشان تبدیل کردند. از سوی دیگر نفس دستگیری های همزمان و جمعی معلمان و کارگران و فعالین اجتماعی و تشکیل پرونده های امنیتی برای آنها بطور عملی جنبش های مختلف اجتماعی را در مبارزه علیه زندان و سرکوب به هم نزدیک میکند. بطور مثال در همین ماجرای دستگیری دو فعال کارگری فرانسوی و دستگیری شماری از فعالین کارگری و معلمین و فعالین اجتماعی تحت عنوان "همکاری با دسیسه جاسوسی"، حکومت، عملا جنبش کارگری و معلمان و اکتیویست های اجتماعی را کنار هم گذاشت. خانواده های آنها با یکدیگر بیابنه مشترک اعتراضی دادند و در همین هفته نیز طوفانی توتیتری در دفاع از کارگران و معلمان زندانی براه افتاد. یعنی اوضاع به گونه ای است که اتحاد جنبش های اجتماعی و همه مردم علیه سرکوب به امری حیاتی تبدیل شده است. همین الان در این پرونده سازی ما واله زمانی را می بینیم که خطر مرگ او را تهدید میکند و جامعه باید در این رابطه کاری کند و واکنشی نشان بدهد. و یا همین الان چهار پیشمرگه حزب کومله را دستگیر کرده اند و آنها را به وابستگی به موساد اسرائیل متهم کرده اند. و با این سناریو سازی میخواهند فضای کل جامعه و کردستان را امنیتی کنند. و تمامی این موارد که مثالهای فراوان است به همه جامعه مربوط است. به این معنا که حکومت تعرضش را به تمام بخش های جامعه شدت داده است و این تعرضات همگرایی بیشتری بین مردم ایجاد کرده است. در اینجا تاکید ما این است که باید به این اتحاد مبارزاتی علیه سرکوبگری های حکومت شکل آگاهانه ای داد. باید

اتحاد علیه سرکوب

ادامه از صفحه ۴

فردی قهرمانانه در برابر اینها میایستند و در کوچه و محله علیه شان شعار میدهند. در جریان آبادان دیدیم که یک زن شجاع چشم در چشم نیروهای سرکوبگر علیه خامنه ای شعار داد و فریاد اعتراض را بلند کرد.

الان جامعه در جنب و جوش اعتراضی بیسابقه ای است. به همین خاطر است که سرکوب جمهوری اسلامی همه را در بر میگیرد. حکومت حتی افراد عادی را در خیابان دستگیر میکند، پرونده امنیتی و رابطه با دشمن خارجی و غیره برایشان سرهم میکند و میخواهد همه جامعه را بکوبد. در برابر این است که ما میگوییم باید یک جنبش متعین و با اسم و رسم، با شعار همه علیه سرکوب شکل بگیرد. فعالین این جنبش فعالین همه جنبش های اعتراضی هستند و همه باید ضمن خواست آزادی دستگیر شده های خودشان خواست آزادی همه را اعلام کنند. اینجا همانطور که گفتیم لیست مشترک مهم است. یک

لیست مشترکی از دستگیر شدگان از جمله شامل کسانی که همین الان شما اسم بردید: واله زمانی و سپیده رشنو و همین چهار پیشمرگه که اخیرا بازداشت شده اند. لیست متاسفانه مفصلی است. این لیست را تهیه کنند و مشترکا خواهان آزادی فوری اینها بشوند.

تا آنجایی که به حزب ما و فعالین حزب مربوط میشود فراخوان من این است که این قدم ها را ما باید در ارتباطات اجتماعیمان بجلو برداریم و در هر بخش و جنبشی که فعالیت میکنیم و در هر سطحی که فعال هستیم این پرچم را بلند کنیم و همین خواستها و شعارهایی که اشاره کردم را تبدیل کنیم به یک امر عمومی گسترده.

این کمپین مختص حزب ما نیست، مختص حتی فقط کمونیستها نیست. هر کسی که دلش برای آزادی میتد و خواهان سرنگونی جمهوری اسلامی است و میخواهد این جهنم تمام بشود باید خودش را متعلق به این جنبش اتحاد علیه سرکوب بداند.

فعالین حزب باید با یک دید گسترده و فراگیر این پرچم را بلند کنند و در ارتباطات اجتماعی شان، در ارتباطات مبارزاتی شان و با همزمانشان این بحث

را در میان بگذارند، سازمان پیدا کنند و بخصوص مدیای اجتماعی را که ابزاری است که میشود برای خیابان نیرو جمع کرد به کار بگیرند. امروزه مدیای اجتماعی ابزاری است برای جمع آوری نیرو برای مبارزات میدانی. در این مورد هم فعالین میتوانند مدیای اجتماعی را وسیعا در دست بگیرند و در خدمت شکل دادن به میتوانند مدیای اجتماعی را در خدمت شکل دادن به یک جنبش قدرتمند، سراسری علیه سرکوبگری ها بکار بگیرند.

شهلا دانشفر: شما به نکته جالبی اشاره کردید، "همه علیه سرکوب، اتحاد علیه سرکوب". این ها میتوانند مضمون هشتم هشتک هابی باشند در مدیای اجتماعی. بعلاوه حول این مساله یکسری گفتمانهایی الان هست که کاملا مربوط است. مثل پرونده سازی ممنوع، وثیقه ممنوع، شلاق ممنوع، مجازاتهای اسلامی لغو. همین الان می بینید که هشتک هابی هست با همین گفتمانها که در واقع تبیینی از "اتحاد علیه سرکوب" و مضمون مشخص این اتحاد بدست میدهد. به این معنا که تاکید ما بر آزادی زندانیان سیاسی است. و باید شکنجه ممنوع باشد محرومیت زندانی از دارو و درمان ممنوع و جرم تلقی

شود. در این کارزار یک لیست اولویت را داشت. لیستی از کسانی که جانشان در خطر است. مثلا واله زمانی جانش در خطر است. سپیده رشنو جانش در خطر است و یا چهار پیشمرگه ای که صحبت شان را کردیم جانشان در خطر است و متاسفانه همانطور که شما گفتید لیست طولانی است. و این در واقع گویای عرصه های مختلف نبرد در جامعه است. به معنای نبرد وسیعی در جامعه علیه حاکمیت است. اتحاد علیه سرکوب یک گام مهم در تقویت مبارزات مردمی، اتصال مبارزات بخش های مختلف جامعه به یکدیگر و در پیشروی جنبش سرنگونی است. در هر حال بنظر میآید که وقت برنامه پایان گرفته است اگر نکته باقی مانده است، بفرمائید.

حمید تقوایی: من یکبار دیگر بر این فراخوان تاکید میکنم. شما نکات درست و خوبی گفتید. وقتی که ما بخواهیم مثل یک جنبش علیه سرکوب بایستیم آنوقت مطالبات بسیار گسترده تری هم میتوانیم در دستور بگذاریم. خواست فوری آزادی همه زندانیان سیاسی اولین نکته است اعتراض علیه پرونده سازی ها، علیه شکنجه در زندانها، علیه ممنوعیت ملاقات ها، علیه وثیقه

برای آزادی - آزادی باید بدون قیدوشرط باشد، خواست تامین دوا و درمان زندانیان سیاسی و نظایر آن همه اینها به گفتمان این جنبش تبدیل میشوند. این جنبش میتواند خواسته های خیلی مشخص تری هم در این رابطه مطرح کند. بنظر من زمینه وسیعی برای کار چنین جنبشی وجود دارد و من تردید ندارم که این حرکت با استقبال گسترده همه مردم معترض روبرو خواهد شد. چون تیغ جمهوری اسلامی دامن همه را گرفته است. همانطور که گفتم تلاش جمهوری اسلامی علیه جامعه بیخاسته و علیه اعتراضاتی است که از هر سو حکومت را محاصره کرده است. به این دلیل است که جمهوری اسلامی به این شکل گسترده به جامعه هجوم می آورد. این تعرضی از سر ضعف و درماندگی است. در برابر این هجوم اگر متحدانه بایستیم مطمئن باشید میتوانیم جمهوری اسلامی را به عقب بزنیم، میتوانیم زندانیان سیاسی را آزاد کنیم و میتوانیم گام بزرگی در راه سرنگونی حکومت بجلو برداریم.

۱۰ اوت ۲۰۲۲

با تشکر از امیر توکلی برای پیاده کردن متن اولیه این مصاحبه.

سمینار آنلاین:

آزادی بی قید و شرط نقد مذهب

با نگاهی به آتش زدن قرآن در هامبورگ علیه مراسم محرم جمهوری اسلامی

ارائه دهنده: حمید تقوایی



جمعه ۲۱ مرداد ۱۴۰۱ - ۱۲ اوت ۲۰۲۲
ساعت ۶:۳۰ عصر اروپای مرکزی، ۹ شب ایران

پخش زنده در
تلویزیون کانال جدید

ورود برای عموم آزاد است

بخش مستقیم در بوتل ست، ترکمن عالم و باهست
اینستاگرام، توئیتر، تلگرام، فیسبوک، یوتیوب و کانال هابوس

KANAL JADID
www.kanaljadid.com
۰۰۴۶۷۶۰۸۰۰۶۸۰

رفاه و خوشبختی همین امروز ممکن است

عامل فقر جمهوری اسلامی و نظام کثیف سرمایه داری است. با سرنگونی این حکومت و با مصادره اموالی که سران رژیم، آیت اله ها، رانتخواران و میلیاردرها غارت کرده اند، میتوان بلافاصله بهداشت و درمان و آموزش و پرورش و آب و برق و گاز را برای همه جامعه رایگان کرد. با میلیاردها دلاری که هر ماه صرف زندان و سرکوبگران میشود میتوان برای همه مردم مسکن مناسب ساخت. با کوتاه کردن دست امام جمعه ها و موسسات مذهبی از خزانه مملکت میتوان زندگی شاد و انسانی برای همه کودکان فراهم کرد. نیروی کار و متخصص و منابع و امکانات کافی برای خوشبختی همه مردم وجود دارد. باید جمهوری اسلامی را از سر راه برداشت.

برای سرنگونی جمهوری اسلامی و ایجاد جامعه ای انسانی، برای تحقق رفاه و آزادی و برابری،

به حزب کمونیست کارگری بیونیدید!

عاشورای دولتی از خیابان های اصلی تورنتو جمع شد

گفتگو با بابک یزدی دبیر واحد حزب در شرق کانادا



انترناسیونال: یکی از سیاستهای حکومت اسلامی برپایی مراسم عاشورا در کشورهای مختلف و فضا سازی و عضو گیری از جریانات اسلامی از این طریق است. نیروهای مخالف حکومت نیز با تظاهرات متقابل تلاش میکنند سیاست حکومت را خنثی کنند. کانادا یکی از کانونهای این کشاکش در چند سال گذشته بوده است. و نهایتا امسال جمهوری اسلامی ناچار شد بساطش را از خیابانها جمع کند. در این مورد با بابک یزدی دبیر واحد حزب در شرق کانادا گفتگو میکنیم.

بابک یزدی عاشورا در تورنتو چگونه سیاسی شد. و چرا اصولا شما آن را عاشورای دولتی خطاب می کنید؟

بابک یزدی: ببینید این داستان طولانی ای دارد. تا سال ۲۰۱۵ یعنی هفت سال پیش برخی از مسلمانان پاکستانی، افغانستانی و سومالیایی و غیره در اسکاریو و پائین شهر تورنتو برنامه های سینه زنی و کارناوال عزاداری داشتند و ما علیرغم اینکه با این نوع مراسم مذهبی و فضا سازی و سر و صدا راه

انداختن و مزاحمت برای مردم کاملا مخالفیم، اما علیه آنها مستقیما آکسیون نداشتیم. اما از سال ۲۰۱۶ جمهوری اسلامی با اهداف سیاسی کثیف خود وارد این ماجرا شد برنامه های سازمان یافته ای در برخی شهرها و کشورهای اروپائی و آمریکای شمالی به راه انداخت. به این شکل که با بنرها، هد بند ها، پرچم ها و لوگوها و حتی شیشه های آب مشابه در کانادا هم در شمال شهر نورت یورک و خیابان یانگ یعنی بزرگترین خیابان شهر و به روایتی کشور و دنیا و در محل سکونت ایرانیان و به ویژه که برنامه را در پلازای ایرانیان پایان می دادند جلوی مغازه زمانی که یکی از مزدوران رژیم هست و هر سال آتش نذری میدهد مراسم پایان می یافت. یعنی محل پایان برنامه مغازه زمانی و آتش خوری بود. به دلیل اینکه رژیم اسلامی ایران پشت این برنامه ها بود ما نامش را گذاشتیم عاشورای دولتی.

انترناسیونال: کلا توضیح دهید که برخورد حزب و مخالفین رژیم با عاشورای دولتی چگونه بود؟ چگونه توانستید گام

به گام آن ها را به عقب نشینی وادار کنید؟
بابک یزدی: ما از همان سال اول در کنار برخی از نیروهای سیاسی چپ و آزادیخواه دیگر شروع کردیم به سازماندهی و اعتراض و افشاکاری علیه این مضحکه ی دولتی. و این فعالیتها مورد استقبال خیلی از مردم، مخالفین رژیم و ساکنین آن مناطق قرار گرفت. در دو سال اول که در خیابان یانگ رژه می رفتند اعتراض رادر جلوی صف آنها سازماندهی کردیم و هر چه پلیس اصرار کرد که یا روز دیگر و یا ساعتی دیگر و یا حتی در پشت سر آنها باشیم، ما زیر بار نرفته و با بلند گوهایی قوی در جلوی صف آنها اول روایت ما را از رژیم و آنها به دو زبان پخش می کرد و آنها مجبور شدند پشت سر ما قرار گیرند. سال بعد خیابان اصلی یانگ در اختیار ما بود و پلیس آنها را مجبور به رفتن به خیابان های فرعی کرد. در اثر شکایات و جلسات مداوم و اعتراض به پلیس و نمایندگان شهرداری نورت یورک و جمع آوری پتیشن و امثال اینها، سال بعد آنها را نه فقط در خیابان یانگ راه ندادند بلکه به آنها اجازه

ندادند از راه های فرعی هم به پلازا بیایند. عزاداران جمهوری اسلامی را در پارکی جمع کردند. و بالاخره سال گذشته نیروی ما مخالفین در پلازا چنان وسیع بود که پلیس عزاداران حکومت را از وسط راه به یک کلیسائی برد که آنجا عزاداری کنند. یعنی "عزاداری حسینی" در "کلیسا" انجام گرفت!! و در نهایت امسال مجبور شدند به گوشه مسجد و پارکی در اسکاریو بسنده کنند.

این موفقیت بزرگی برای ما مخالفین رژیم است. با تلاشهای همه ما مردم مخالف حکومت اسلامی اوضاع دوباره به شکل سالهای قبل از ۲۰۱۵ برگشت که بیشتر کارناوال عزاداری و غیر سیاسی بود. این تقریبا خواسته ی بیشتر مخالفین رژیم بود که از شهر نورت یورک و محل سکونت ایرانیان و به ویژه از خیابان یانگ و اطراف آن این حرکتها برچیده شوند.

حزب ما در این ۷ سال هرسال یکی از و در دو سال اخیر تنها جریان سازمانده علیه این مضحکه دولتی بود. و ما فقط به اعتراض در روز عاشورا هم اکتفا نکردیم و در عرصه ای مختلف علیه

این مضحکه جنگیدیم. البته افراد مخالف رژیم خیلی ها در کنار ما بعضا به طور ابتکاری و حتی فردی علیه این مضحکه کارهایی کردند که باید به تک تک آن ها هم دست میرزاد گفت.

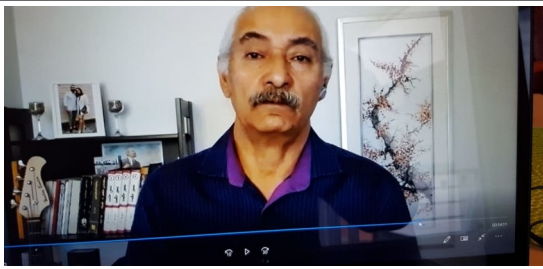
انترناسیونال: گام های بعدی چیست؟

بابک یزدی: حزب ما سالهاست که اجازه نداده خارج کشور محل جولانگاه طرفداران ریز و درشت رژیم گردد. ما از همه افراد و جریاناتی که در این هفت سال به هر شکلی در این اعتراضات شریک و سهیم بودند تشکر می کنیم و به همه ی مخالفین رژیم تبریک می گوئیم. در ضمن از همه ی آنها می خواهیم که هوشیار باشند و در هر کجا و تحت هر بهانه، حکومت جنایتکار اسلامی را دیدند ما را در جریان بگذارند. باید دست به دست هم دهیم و در راستای فضای سرنگونی گسترده ای که در کشور علیه حکومت وجود دارد، در سطح بین المللی نیز حکومت را سرنگون کنیم.

انترناسیونال: خسته نباشید

در رابطه با دستگیری چهار پیشمرگ

یک سوال از عبدال گلپریان دبیر کمیته کردستان حزب



انترناسیونال: کمیته کردستان حزب کمونیست کارگری در رابطه با دستگیری چهار پیشمرگ حزب کومه له کردستان اطلاعیه ای داده و دستگیری و پرونده سازی علیه آنها را محکوم کرده است. چه اقدامات دیگری در این رابطه در دستور حزب است؟

عبدال گلپریان: یکشنبه ۲ مرداد ۱۴۰۱ حزب کومه له کردستان طی بیانیه رسمی از بازداشت چند عضو خود در منطقه سوم و برادوست ارومیه خبر داد. وزارت اطلاعات جمهوری اسلامی نیز روز پنجم مرداد ادعا کرده است که این چهار نفر اعضای یک تیم تروریستی بوده اند که از سوی موساد اسرائیل برای انفجار و خرابکاری اعزام شده اند و مواد انفجاری را نیز از طریق مسیرهای کولبری وارد منطقه کرده اند.

برای افکار عمومی در ایران و در کردستان ذره ای تردید وجود ندارد که نهادهای اطلاعاتی رژیم با هیاهویی که در مورد این مسئله براه انداخته اند، هدفی جز ایجاد فضای امنیتی بویژه در کردستان ندارند. این اولین بار است که جمهوری اسلامی افراد یک حزب اپوزیسیون در کردستان را مرتبط با موساد و اسرائیل معرفی می کند. دلیل آن هم کاملاً روشن است. حکومت اسلامی از ابتدای به قدرت رسیدنش خود را علیه اسرائیل و مدافع مردم فلسطین جار زد و آنرا به عنوان یک امر هویتی خود معرفی کرد. از سوی دیگر بنا به اعتراف مسئولین نهادهای امنیتی جمهوری اسلامی، مدتها است که

سازمان اطلاعات اسرائیل موساد در سپاه پاسداران نفوذ کرده و هر از چند گاهی افرادی از عضو سپاه در امور هسته ای رژیم را از بین برده اند. بنابراین در مقطع کنونی که رژیم اسلامی متحمل ضرباتی از سوی اسرائیل شد، منتسب کردن هر جریان مخالف در اپوزیسیون و در میان مردم معترض به وضع موجود را بهانه ای برای تعرض به اعتراضات مردم، ایجاد فضای رعب و بگبر و ببنده قرار داده است. از طرف دیگر مردم کردستان در طول تاریخ موجودیت رژیم اسلامی هیچگاه برای ادعاهای رژیم کمترین مشروعیتی قائل نبوده اند.

در ماههای اخیر تجمعات باشکوه معلمان در هماهنگی با بخشهای دیگر جامعه در سراسر کشور رژیم اسلامی را به وحشت و هراس انداخت. و در این مورد هم حکومت به نحو مسخره ای اعتراضات معلمان و کارگران را به عوامل دشمن خارجی منتسب کرد تا بتواند به این بخشهای معترض جامعه تعرض کند.

در رابطه با دستگیری این چهار پیشمرگ نیز همین سناریو سازی را در بوق و کرنا کردند. پیشتر نیز بارها فعالین سیاسی و هر معترضی را به اتهام وابستگی به نیروهای خارجی به زندان افکنده اند. سیاست گروگان گیری دو تابعیتی ها برای باج خواهی یکی از آنها است که ماهیت این رژیم در داخل و خارج را برای افکار عمومی بیش از پیش به نمایش گذاشته است. اتهام وارد کردن اسلحه

به کولبران نیز گوشه ای دیگر از سناریو سازی مسخره رژیم اسلامی است. ماموران حکومت سالها است در مناطق مرزی مدام به سوی کولبرانی که به دلیل بیکاری، فقر، تبعیض و نابرابری به این شغل سوق داده شده اند، شلیک می کنند و زندگی تباہ شده آنان را تباہ تر می سازند. اکنون با طرح این مسئله که گویا حمل و انتقال سلاح و تجهیزات این چهار نفر از طریق کولبران صورت گرفته است، دست ماموران سرکوب علیه کولبران را بازتر می گذارند. این پرونده سازی ها بخش جدایی ناپذیری از سیاست حکومت در برخورد به تمامی بخشهای مختلف جامعه است. تمامی این سناریو سازی های نخ نما نشان دهنده استیصال و درماندگی حکومت زخم خورده اسلامی است. حکومت اسلامی در منگنه اعتراضات بخشهای مختلف مردم قرار دارد و با

این ترفندها دست و پا زدنهای خود را عیان می کند.

در این رابطه و از همان ابتدای دستگیری این چهار نفر اقداماتی از سوی کمیته کردستان و نهادهای حزب برای نجات این چهار نفر شروع شد. از صدور اطلاعیه در محکومیت دستگیری آنان گرفته تا تهیه برنامه های تلویزیونی از کانال جدید و میدیای اجتماعی در حمایت از این افراد بخشی از این اقدامات است. علاوه بر اینها در دستور قرار دادن آکسیون هایی در خارج کشور از سوی سه نهاد (کمیته علیه اعدام، کمیته مبارزه برای آزادی زندانیان سیاسی و کمپین برای آزادی کارگران زندانی)، مورد حمایت فعال حزب قرار گرفته است. بعلاوه نوشتن نامه به نهادهای بین المللی و مدافع حقوق انسانی تا برگزاری جلساتی در کلاب هاوس برای جلب توجه افکار عمومی، از جمله تلاشهایی است که صورت

می گیرد. این اقدامات از سوی حزب و نهادهای مورد حمایت آن امر تازه ای نیست بلکه سابقه و تاریخچه این دست از فعالیتها علیه سیاستهای ضد انسانی حکومت اسلامی به اندازه طول عمر این رژیم بوده است.

برای نجات جان این چهار پیشمرگ در داخل و خارج تمام تلاش و ظرفیت های خود را بکار خواهیم گرفت تا آنان را از چنگال رژیم اسلامی نجات دهیم. همچنین از انسانهای مبارز در داخل و خارج از ایران می خواهیم که در این کمپین دخیل و شریک باشند و برای انجام هر گونه اقدام اعتراضی علیه رژیم اسلامی و برای آزادی این چهار نفر تلاش کنند. با فشار گذاشتن روی مقامات و نهادهای حکومت اسلامی می توان کاری کرد که سیاست و پرونده سازی رژیم در این زمینه را هم به شکست کشاند.

Protestaktion für die Freilassung von 4 inhaftierten Aktivisten im Iran!



Wo: Raimundstr 90, Frankfurt am. M., vor dem iranischen Konsulat-Sa. 13.08.2022 ab 16-18 Uhr

روز شنبه ۱۳ام آگوست
از ساعت ۱۶ تا ۱۸

فرانکفورت

برای آزادی چهار پیشمرگ بازداشتی به خیابان می آیم



تشکیلات خارج کشور حزب کمونیست کارگری ایران - آلمان



در گرامیداشت یاد محمود شفاعت (تقی پاک ایمان)

متن سخنرانی مینا احدی در برنامه گرامیداشت یاد تقی پاک ایمان، «محمود شفاعت» در شهر فرانکفورت آلمان در تاریخ شنبه ۶ ماه آگوست ۲۰۲۲

چند دهه جهنم و سرکوب و اعدام و خفقان، درسهای آموخت که حتما در آینده بکار خواهد برد و هیچ حمله ای از طرف نیروهای دست راستی به چپها که امروز با حمله به نسل تو و مبشران زندگی بهتر همراه است، نمیتواند این درسها را از ذهن جامعه پاک کند.

یاد ترا در مبارزات روزمره خودمان برای سرنگونی حکومت اسلامی و ساختن یک زندگی انسانی، برابر، مرفه و با آزادی مطلق بیان به پیش خواهیم بود. امیدوارم در ایران آینده مجسمه یادبودی به یاد همه شما نسل شکست نخورده و همواره مدافع انسانیت برپا کنیم تا آیندگان ببینند و بدانند که شما و ما که بودیم و چه کردیم! زنده باد یاد عزیز تقی!

پاشیدن بهز ندگی دیگران و تغییر در زندگیها در همین دوره ۴۳ ساله حکومت اسلامی! میخواهم به تقی بگویم، بدرود تقی عزیز، تو و همزمان هستی و در بیبشماران هستی و در اقصی نقاط جهان پخش شده اند، نسل شکست نخوردگان هستی! و شما با فعالیتها و با نوع زندگی خودتان در تارو پود آن جامعه نفوذ کردید! اگر زنان در ایران امروز بپا خاسته و لیدر اعتراضات هستند، اگر به حجاب اسلامی نه میگویند، اگر رهبران کارگری و صدها و هزاران کارگر فریاد نه به استثمار سر میدهند، اگر بازنشستگان از معیشت، منزلت حق مسلم ما است، حرف میزنند، و اگر خانواده تقریباً همه اعدای ما، مخالف مجازات اعدام هستند اینها دستاوردهای فعالیتها و کارهای شما است! شک نباید کرد که جامعه ایران بعد از این

آنهايي که جان سالم بدر بردند و شانس ادامه زندگی داشتند، بسیاری مبارزه خود را ادامه دادند. تقی یکی از این گوهرها بود. کم نیست ۵۰ سال مبارزه کئی و تلالو این خواست را در بین بقیه منعکس کئی که زندگی بهتر حق بشر است، که یکبار به دنیا می آیم و باید امکان داشته باشیم حرف دلمان را بزنیم، که بهداشت و آموزش رایگان و داشتن سرپناه و زندگی بدون استرس حق همگان است.

تقی نه فقط با سازمان دادن مبارزات و یا حضور در تشکلهای و احزاب، بلکه در زندگی روزمره خود این را به دیگران نشان داد که دنیای بهتر امکان پذیر است و باید برای ساختن آن تلاش کرد.

من میخواهم در اینجا در حضور شما، به تقی پاک ایمان ادای احترام کنم. به دلیل این زندگی، این اعتقاد عمیق به انسانیت و این تلاش و تقلاي روزمره و رنگ امید

شروع کرد. تقی از این نسل بود. هزاران و هزاران نفری که در مقابل حمله حکومت اسلامی به آرمانهای انقلاب و به نسل انقلابی در همه جبهه ها جنگیدند. تظاهرات صد هزار نفره علیه حجاب اسلامی، مبارزه در کارخانه ها و خیابانها، ترکمن صحرا و کردستان، تنها نمونه هایی از مقاومت نسل ما در مقابل شکست دهندگان انقلاب بود. بسیاری از ما را گرفتند و کشتند. در دادگاه حمید نوری دیدیم که چه گوهرهای گرانبهایی را در دادگاههای چند دقیقه ای به اعدام محکوم کردند و کشتند. دهه شصت برای نسل ما، دهه خونین کشتار و اعدام عزیزانمان بود، و در عین حال دهه مقاومت در تابوتهای و تف انداختن بر صورت رئیسی ها، پورمحمدی ها، موسوی اردبیلی ها و هیئت های مرگ بود. ما بیبشماران بودیم و

من هم به نوبه خود به همه شما عزیزان، به خانواده محترم تقی، به دوستان و به مردم ایران از دست دادن تقی را تسلیت میگویم. تقی را من سالهای سال است که می شناسم، چند بار او را در کردستان دیدم و بسیار بیشتر از آن در فرانکفورت البته در تظاهرات ها و کنفرانسها. انسانی مهربان، دوست داشتنی و آرام و مهمتر از همه انسانی مبارز و منتقد اوضاع، نه فقط در یکسال و دو سال بلکه در حدود پنج دهه. من در این فرصت کوتاه میخواهم در این مورد حرف بزنم. در مورد نسلی که تقی یکی از نمایندگان لایق آن بود. نسلی که در دوره پهلوی برای آزادی و رفاه و زندگی شایسته انسان بپا خاست و مبارزه کرد و با شکست آن انقلاب، از اولین روزی که نطفه ننگین حکومت اسلامی بسته شد، اسلحه را از این شانه به آن شانه انداخت و علیه حکومت جنایتکاران اسلامی مبارزه را



سخنی به مناسبت سالروز ۲۸ مرداد ۵۸ نسان نودینیان

در دل چنین اوضاع معین سیاسی بود که گرایش اجتماعی و چپ و رادیکال در کردستان به عنوان تداوم انقلاب ۵۷ و در تقابل با ارتجاع تازه به قدرت خزیده اسلامی، رزمنده تر و رادیکالتر به میدان آمد. جمهوری اسلامی در تقابل با این وضعیت ابتدا تلاش کرد از میان مرتجعین محلی واحدهای سپاه پاسداران را بسیج کند و در عین حال به دوائر ارتجاعي چون مکتب قرآن مفتی زاده متکی شود و مردم و جریانات چپ را عقب براند. اما این تلاشها به شکست انجامید. سرانجام بعد از بسیج نیروهای سرکوب و مسلح و کسب آمادگی برای لشکر کشی، به جریان چپ و رادیکال با توپ و تانک و هواپیما و اعزام نیروهای سرکوبگر ارتش و حزب الله و میرغضب و جلاد جواب داد. خمینی جنایتکار فرمان حمله به کردستان را صادر کرد.

در ۲۸ مرداد ماه سال ۱۳۵۸ با اجرای فرمان خمینی ارتش و نیروهای جمهوری اسلامی به کردستان حمله کردند، و موجی از کشتار و ترور، قتل عام و وحشیگری، اعدام دسته جمعی، زندان و آوارگی را به کردستان

ضعیف) جامعه کردستان را به محلی پرتلاطم و کشمکش سیاسی و انقلابی تبدیل کرده بود. در انقلاب ۵۷ و بعد از آن توده های مردم کردستان به سرعت مسلح شدند. در بیشتر شهرها و مناطق روستایی شرایط برای حاد شدن اختلافات طبقاتی و دعوا بر سر زمین و جلوگیری از اجحافات و زورگویی های مالکین و فئودالها، ایجاد شده بود. در بطن چنین وضعیتی در حالیکه فضای سیاسی در میان مردم و زحمتکشان رو رادیکال شدن هرچه بیشتر میرفت، مالکین و فئودالها همراه با مرتجعین محلی و با کمک آیت الله های جمهوری اسلامی سعی در اسلامی کردن و سلطه جریانات ارتجاعي بر شهرها را داشتند. هدف آنها جلوگیری از فضای باز سیاسی و دمکراتیکی بود که رو به رشد بود. هدف مالکین و ارتجاع محلی جلوگیری و سد کردن تعرض دهقانان و تلاش برای بازگرداندن ارتجاع دولتی و حکومتی و آوردن جمهوری اسلامی با ارتش و سپاه و زندان و دادگاه هاش بود. اهداف شوم و سیاهی که با مقاومت و سد محکم انقلابیون رادیکال و مردم شهرها بویژه زنان و جوانان روبرو شد. و برای مدتی طولانی ناکام ماند.

چهار دهه از فرمان خمینی جنایتکار و فرمان حمله گسترده نیروهای ارتش و پاسداران به کردستان می گذرد. امروز در شرایطی در مورد حمله جنایتکارانه جمهوری اسلامی و حماسه مقاومت رادیکال و انقلابی مردم شهرهای کردستان مینویسیم که جامعه ایران در التهاب اعتراضات کارگران و معلمان و خیزشهای توده ای علیه فساد، گرانی و فقر در جوشش است. خیزشهای توده ای سالهای ۹۶ و ۹۷ و ۹۸ را تجربه کرده ایم. کارگران، معلمان و بازنشستگان صدها اعتصاب و هزاران تجمع و راهپیمایی را هر سال برگزار میکنند. در کردستان اعتصاب عمومی ۱۳۹۷ علیه اعدام را داشته ایم. هم اکنون اعتصاب و اعتراضات وسیع و پدافند ای در سطح سراسری در جریان است.

مردم کردستان در انقلاب ۵۷ برای خلاصی از دیکتاتوری آریامهری با همبستگی و هم سرنوشتی سیاسی و در راستای مبارزات مردم در دیگر شهرهای ایران فعالانه شرکت کردند. فضای سیاسی و اعتراضی و وجود احزاب سیاسی (در بدو انقلاب ۵۷ هر چند

آوردند. دادگاه های اسلامی و صحرائی توسط فرستاده و جلاد نور چشم امام، خلخالی، در سنندج، مریوان و سقز و پاره بریا شد. و شمار زیادی از عزیزان مردم را به جوخه اعدام سپردند.

اما مقاومت توده ای و مسلحانه مردمی موفق گردید در عرض سه ماه حکومت را عقب براند و کنترل شهرها مجددا در دست مردم قرار گرفت. با شروع جنگ مسلحانه، مقاومت و مبارزات توده ای در شهرهای کردستان، شکل گرفت و بطور وسیع و سریع در سراسر کردستان تبدیل به درگیری و تظاهرات های خیابانی و ایجاد عدم امنیت برای نیروهای مسلح و مقامات دولتی و حکومتی جمهوری اسلامی شد. جنبشی نیرومند علیه جمهوری اسلامی در شهرها شکل گرفت. جنبش و مبارزات توده ای که طی سه ماه توانست شیرازه نیروهای سرکوبگر را از هم بپاشد و بار دیگر شرایط دموکراتیک و حاکمیت توده ای مردم در شهرها را جایگزین حاکمیت سپاه

جمهوری اسلامی بکند. در دل چنین فضای سیاسی و مبارزاتی بود که مجددا شهرها را تصرف کردیم. برای نمونه شاهد بودیم که شهرهای مریوان و سنندج با همکاری مبارزین و مردم شهر از نیروهای مسلح کومه له استقبال وسیع و گرمی بعمل آوردند. شهر تحت حاکمیت و کنترل سیاسی. امنیتی ما بود.

بیش از چهار دهه از این تاریخ گذشته و جامعه کردستان تغییرات اساسی را بخود دیده است. احزاب سیاسی مختلفی رشد کرده اند و آزمایشات سیاسی و تند پیچ های سیاسی مهمی را به نمایش گذاشته اند. بافت طبقاتی و اجتماعی جامعه هم تغییر کرده است. طی این مدت مبارزات کارگری در شکل اعتصابات و مراسمهای اول ماه مه، مراسمهای روز جهانی زن و فستیوال کودکان بر فضای سیاسی جامعه تأثیرات قابل ملموس اجتماعی گذاشته است. مبارزات توده ای زنان و جوانان علیه حاکمیت ننگین و کثیف ادامه در صفحه ۱۰

اساس سوسیالیسم انسان است

حزب کمونیست کارگری ایران

Worker-communist Party of Iran

سرمدیر: نسان نودینیان
ادیتور: کاظم نیکخواه
انترناسیونال
نشریه حزب کمونیست کارگری ایران

internasional@yahoo.com

انترناسیونال هر هفته / هفته / هفته ها منتشر می شود.

www.facebook.com/wpiiran

www.instagram.com/wpi91

تلگرام: @wpi_hk4

www.wpiiran.org

سخنی به مناسبت سالروز ۲۸ مرداد ۵۸

ادامه از صفحه ۹

معلمان در شهرهای کردستان در وسیعترین اعتصابات معلمان در سطح سراسری در اشکال اعتصاب، تحصن و راهپیمایی شرکت کرده اند. در این سالها چندین نهاد اجتماعی و مدنی از جمله نهادهای زیست محیطی، نهادهای مدافع حقوق کودکان و جمعهای مبارزاتی زنان و مدافعین حق حیات و علیه اعدام ابراز وجود کرده اند. در این سالها صداهای فعال کارگری و زنان و فعالین اجتماعی بر بستر مبارزات جاری عروج کرده اند و به شخصیتهای اجتماعی و با نفوذ و با اتوریته در کردستان شناخته شده اند. گرایش کمونیستی و کمونیسم کارگری در شهرهای کردستان در چهار دهه

در سازماندهی توده ای مردم، تقویت گرایش سوسیالیستی و کمونیستی و چپ جامعه و در سازماندهی مراسم های برگزاری اول ماه مه و مراسمهای روز جهانی زن، فستیوال های خیابانی کودکان نقش برجسته و قابل ملموس و موثری را داشته اند.

۲۸ مرداد و حمله جنایتکارانه ارتش و سپاه پاسداران به کمک مزدوران محلی به کردستان برگ ننگینی از کارنامه سرتاپا جنایت و کشتار جمهوری اسلامی است. همه سران این جنایات و قتل و کشتارها اکنون و بر زمینه ضعف و سیر رو به فروپاشی جمهوری اسلامی در صف جناح بندیهای این رژیم، اصلاح طلبان دو

خردادی و سبز جا خوش کرده اند. مردم کردستان طی چهار دهه گذشته بارها اعلام کرده اند که از حکومت مذهبی و رژیم اسلامی متنفرند و جمهوری اسلامی را با بیش از چهار دهه میلیتاریزم و سرکوب و اعدام و تحمیل فقر و بیکاری به مردم می شناسند.

امسال در شرایطی به ۲۸ مرداد نزدیک میشویم که جامعه ایران با تجارب ارزنده اعتصابات اعتراضات و خیزشهای توده ای در حال مبارزه ای پیگیر و علنی است. مردم در سطح میلیونی اعلام کرده اند حکومت اسلامی نابود باید گردد. در کردستان اعتصاب و تجمعات معلمان در جریان است. معلمان و زنان علیه

دستگیری ها و علیه امنیتی کردن فضای سیاسی جامعه در مبارزه ای هر روزه در ابعاد سراسری درگیر هستند.

۲۸ مرداد امسال را به روز محکومیت فرمان خمینی در اشکال اعتصاب عمومی با خواست سراسری آزادی دستگیر شدگان تبدیل کنیم. دور نخواهد بود روزی که بساط ننگین جمهوری اسلامی در ایران برچیده شود. مردم در روزهای شیرین پیروزی و سرنگونی جمهوری اسلامی در شهرها یاد و خاطره عزیزان از دست رفته در رویدادهای ۲۸ مرداد و بعد از آن را گرامی میدارند.

مرگ بر جمهوری اسلامی. زنده باد سوسیالیسم.*



یک دنیای بهتر

تغییر جهان و ایجاد دنیایی بهتر یک امید و آرمان همیشگی انسانها در طول تاریخ جامعه بشری بوده است. علیرغم رواج ایده های قدرگرایانه و خرافی اعم از مذهبی و غیر مذهبی حتی در دنیای باصطلاح مدرن امروز، ایده هایی که هریک به نحوی علاج ناپذیری و مقدر بودن وضع موجود را تبلیغ میکنند، زندگی واقعی و عمل روزمره توده های وسیع مردم همواره حاکی از یک امید و باور عمیق به امکان پذیری و حتی اجتناب ناپذیری یک آینده بهتر است. این امید که دنیای فردا میتواند از محرومیت ها و مشقات و کمبودها و زشتی های امروز رها باشد، این اعتقاد که عمل امروز انسان ها، چه جمعی و چه فردی، در تعیین چند و چون دنیای فردا موثر است، یک نگرش ریشه دار و قدرتمند در جامعه است که زندگی و حرکت توده های وسیع مردم را جهت میدهد.

کمونیسم کارگری قبل از هر چیز به اینجا تعلق دارد، به امید و اعتقاد انسان های بیشتر و نسلهای پی در پی به اینکه ساختن یک آینده بهتر، یک جهان بهتر، بدست خود انسان، ضروری و میسر است.



نامه مینا احدی به وزارت امور خارجه آلمان در مورد قران سوزان و اعتراض حکومت

به وزارت امور خارجه آلمان

روز یکشنبه در شهر هامبورگ و در مقابل مسجد آبی مرکز وابسته به حکومت اسلامی ایران، یک گروه از ایرانیان تظاهرات کرده و علیه جنایات و سرکوب حکومت اسلامی، شعار داده و یک نفر قران را پاره کرده و آنرا آتش زد. فوراً وزارت امور خارجه جمهوری اسلامی ایران، به این واقعه و آتش زدن یک صفحه از یک کتاب، عکس العمل نشان داد و کاردار سفارت آلمان را فرا خواند.

در رسانه های وابسته به حکومت اسلامی، از توهین به مقدسات و توهین به کتاب مقدس حرف میزنند و از دولت آلمان میخواهند که با تظاهرکنندگان برخورد کند.

ما و شما میدانیم که در ایران با کسانی که حتی یک کلمه به اسلام نقد میکنند، آن حکومت چه رفتاری میکند. با گفتن اینکه قران مقدس است تا کنون هزاران زندگی را نابود کرده اند. با اتکا به نوشته های این کتاب تا کنون حداقل ۵۰۰ زن را تا سینه در خاک فرو کرده و زنده زنده آنها را سنگسار کرده و تکه تکه کرده اند، با اتکا به نوشته های این کتاب عزیزان ایرانی ها را کشته و با خواندن چند سطر از این کتاب، به دختران جوان تجاوز کرده و سپس آنها را اعدام کرده اند. پس صحبت از یک کتاب داستان نیست، صحبت از کتابی است که آنرا بر سر نیزه بسته و با آن زندگیهای هزاران و میلیونها نفر را نابود کرده اند.

اکنون ما و همه منتظر عکس العمل دولت آلمان به این رجز خوانی حکومت اسلامی هستیم. همه میدانند اگر بتوانند در همان هامبورگ، جان افرادی را خواهند گرفت که یک کتاب را آتش زده اند، چرا که برای آنها زندگی و انسانیت معنایی ندارد، آنچه مهم است اتکا به قران و چاپیدن و پول دزدیدن و حکومت کردن است.

سوال ما از وزارت امور خارجه آلمان اینست، چرا شما کاردار این سفارت را صدا نمیزنید و به حکم وحشتناک در آوردن چشم سه نفر که قرار است این هفته اجرا شود و با اتکا به همان قران است، اعتراض نمی کنید، چرا شما سفیر این حکومت را فرا نمی خوانید و از قتل عمد دولتی حداقل ۳۰۰ نفر از ژانویه تا اگوست ۲۰۲۲ حرف نمیزنید، چرا به بریدن انگشتان دست دو نفر در زندان اوین اعتراض نمیکنید، چرا به دستگیری مادرانی که فرزندان آنها را کشته اند، اعتراض نمیکنید و چرا به شکنجه و اقرار گرفتن از سپیده رشنو، زن جوان معترض به حجاب اسلامی حرف نمیزنید و در نهایت شما بعنوان دولتی که شهروندان شما را حکومت اسلامی به گروگان گرفته و آنها را مورد آزار و اذیت وحشتناک قرار داده، اعتراض نمیکنید.

کمیته بین المللی علیه اعدام از شما و خانم بربوک انتظار دارد که در مقابل این هیاهوی جمهوری اسلامی در مورد یک کتاب، از جان های شیفته ای حرف بزنید که اسیر این حکومت هستند و از حرمت شهروندان اسیر خودتان دفاع کنید.

مینا احدی / سخنگوی کمیته بین المللی علیه اعدام

Minaahadi26@gmail.com

0049 177 5692413

09.08.2022

دو خبر:

اعتراضات کارگران رسمی نفت و گرمای کشنده در مراکز کارگری جنوب

روز پنجشنبه ۲۰ مردادماه گروه کثیری از پرسنل رسمی وزارت نفت شاغل در واحدهای ستادی و عملیاتی در بیش از سی مرکز کاری با در دست گرفتن پلاکارد و کاغذ نوشته‌هایی اعتراض خود را به مشکلات معیشتی، مالیات‌های سنگین و خواسته‌های پاسخ‌نگرفته خود اعلام کردند. اعتراض این کارگران به گرانی‌ها و افزایش سرسام‌آور هزینه‌ها و شرایط سخت کاری‌شان است. مطالبه اصلی آنها افزایش حقوق‌هاست. کارگران رسمی نفت قبلاً در بیانیه‌هایشان اعلام کرده بودند که حقوق پایه‌ای هیچ کارگری نباید از ده میلیون کمتر باشد و کل دریافتی آنها نباید از ۲۵ میلیون کمتر باشد. دیگر خواسته‌های اعلام شده این

ارتقای خدمات رفاهی کارگران نفت از جمله بهبود وضع غذا و غذاخوری‌ها، بهبود خوابگاهها و امکانات زیستی و معیشتی بر اساس استانداردی قابل قبول برای همه کارگران شاغل در نفت، بلا بردن استاندارد ایمنی محیطه کار، به رسمیت شناخته شدن حق تشکیک و پایان دادن به امنیتی کردن مراکز کاری در نفت.

کارگران رسمی نفت همچنین در بیانیه‌هایشان بر کوتاه شدن دست پیمانکاران به عنوان معضل سراسری همه کارگران در نفت و لغو قوانین برده وار مناطق ویژه اقتصادی تاکید کرده‌اند.

- خبرها از شرایط فاجعه بار کاری در مناطق جنوبی از جمله در مراکز نفتی حکایت میکند. طبق گزارشات طی روزهای اخیر بخاطر کار در گرمای طاقت فرسای سوزان و شرجی و نبود هیچگونه

تجهیزات سرمایشی لازم و حتی آب خنک برای نوشیدن بیش از پانصد نفر از کارگران در مراکز مختلف واقع در مناطق جنوبی دچار گرمزدگی شدید شده‌اند و به بیمارستانها و درمانگاه‌ها منتقل شده‌اند. همچنین خبرهایی حاکی از مرگ چندین کارگر بخاطر این شرایط جهنمی و سوزان است.

بنا بر خبر منتشر شده از سوی شورای سازماندهی اعتراضات کارگران پیمانی نفت، این وضعیت در مناطق نفتی جنوب از جمله عسلویه باعث شده که ده‌ها کارگر پروژه‌ای پیمانی نفت راهی بیمارستان شوند. با این وجود هیچ پیمانکاری حاضر به تعطیل کردن کار حتی در ساعات گرم روز هم نیست. حرص و ولع پیمانکاران مفتخور برای سودجویی حد و مرز ندارد و در هر شرایطی در گرما و گرد و خاک و حتی در روز تعطیل میکوشند از گرده کارگر کار بکشند. این

در صورتی است که هیچ تجهیزاتی هم برای محافظت جان و سلامت کارگران اختصاص داده نشده است. این وضعیت به فضای اعتراض در مراکز نفتی شدت داده است. در برخی از صنایع نفت و گاز و پتروشیمی کارگران خواستار کاهش ساعات کاری به شش ساعت شده‌اند. قبلاً نیز کارگران پیمانی پالایشگاه آبادان خواستار تعطیلی کار در هوای گرم طاقت فرسای تابستانی با پرداخت حقوق شده بود.

خواستار تعطیل کار همراه با مزد باید خواست سراسری همه کارگران شاغل در مراکز جهنمی جنوب از جمله در مراکز نفتی باشد. تنها راه در مقابل کارگران، اعتصاب متحد و سراسری در برابر این شرایط برده وار کاری است

حزب کمونیست کارگری ایران
۲۰ مرداد ۱۴۰۱، ۱۱
اوت ۲۰۲۲

دست به تجمع زدند. بنا بر همین گزارشات در همین روز در مشهد نیز کارگران پروژه پایپینگ پیمانکاری رحیمی شاغل در پروژه‌ی نیروگاه برق فردوسی در اعتراض به عدم پرداخت دستمزد خردادماه خود اعتصاب کرده و در مقابل درب نیروگاه تجمع داشتند.

حزب کمونیست کارگری ایران
۲۰ مرداد ۱۴۰۱، ۱۱
اوت ۲۰۲۲

کشوری، تجمعاتی اعتراضی داشتند. درمان رایگان یکی دیگر از مطالبات اعلام شده بازنشستگان هواپیمایی هما در اعتراضاتشان بوده است.

- بنا بر خبرهای منتشر شده در کانال تلگرامی شورای سازماندهی اعتراضات کارگران پیمانی نفت روز هجدهم مرداد کارگران پروژه‌ای شرکت آرام پارس شاغل در پتروشیمی هنگام در اعتراض به عدم پرداخت دستمزد خردادماه اعتصاب کرده و در محوطه کارگاه

آزاد شوند و پرونده امنیتی او فوراً مختومه اعلام گردد.

- روز ۱۹ مرداد شماری از بازنشستگان شرکت هواپیمایی ایران ایر (هما) در اعتراض به محقق‌نشدن مطالبات حقوق خود، مقابل صندوق بازنشستگی این شرکت در تهران تجمع کردند. این بازنشستگان در همین رابطه و در اعتراض به وضع بد معیشتی خود، عدم پرداخت کامل حقوق و انتقال صندوق بازنشستگان هما به بازنشستگی

اطلاعیه خبری

آزادی بازنشستگان بازداشتی در کرمانشاه، هاله صفرزاده از مدافعین حقوق کارگر و سه خبر دیگر

شد و در ساعت هشت شب سه نفر دیگر آزاد گردیدند. آزادی این عزیزان را به آنها و به بازنشستگان رزمنده و همگان تبریک میگوییم. پرونده امنیتی تشکیل شده برای آنان باید فوراً مختومه اعلام شود.

- روز ۱۹ مرداد هاله صفرزاده از اعضای کانون نویسندگان ایران و مدافعین حقوق کارگر بطور مشروط آزاد شد. او یکسال حکم دارد و همراه با همسرش علیرضا ثقفی در بیستم اسفند ۱۴۰۰ ماه بازداشت شده بود. آزادی هاله صفرزاده را به وی، به خانواده اش و به همگان تبریک میگوییم. هاله صفرزاده باید بدون قید و شرط

- همانطور که قبلاً گزارش کرده بودیم روز ۱۹ مرداد بازنشستگان تامین اجتماعی همراه با همکاران خود در ۹ شهر دیگر تجمع کردند. در این گردهمایی بازنشستگان معترض با گستردن سفره‌ی خالی در برابر سازمان تامین اجتماعی استان اعتراض خود را به فقر و بی‌تامینی اعلام کردند. این تجمع با هجوم نیروی انتظامی و دستگیری ۴ نفر از بازنشستگان به اسامی خانم محمدی و آقایان شاهپور زنگنه، فریدون جعفرنژاد و محمد کرچی روبرو شد اما بدنبال اعتراض بازنشستگان در ساعات اولیه خانم محمدی آزاد

**کارگر، معلم،
پرستار، بازنشسته،
دانشجو**

اتحاد، اتحاد

۱۳۸۱/۱



نامه سرگشاده ۲۴ نهاد کارگری و اجتماعی

در مورد وضعیت خطیر واله زمانی

بخش‌هایی از کارگران، بازنشستگان، مدافعین حقوق زن، و دانشجویان نامه را امضا کرده‌اند

۲۴ نهاد و گروه از کارگران، بازنشستگان، مدافعین حقوق زن، دانشجویان و جمع‌هایی از فعالین کارگری و اجتماعی طی نامه ای سرگشاده در مورد وضعیت خطرناک و حساس واله زمانی کارگر زندانی هشدار داده و اعتراض کرده‌اند. این نامه که به تاریخ ۱۷ مرداد منتشر شده خطاب به نهادهای کارگری و مدافع حقوق انسانها در سطح دنیا نوشته شده و نسبت به ادامه بازداشت واله زمانی هشدار میدهد. امضا کنندگان این نامه عبارتند از: اتحاد بازنشستگان، "انجمن صنفی کارگران برق و فلزکار کرمانشاه، تشکل

مستقل دانشجویان پیشرو دانشگاه اصفهان، سندیکای نقاشان البرز، شورای بازنشستگان ایران، گروه اتحاد بازنشستگان، ندای زنان ایران، دانشجویان دانشگاه علوم پزشکی اصفهان، گروهی از فعالین کارگری و اجتماعی، گروهی از اعضای کمیته هماهنگی برای کمک به ایجاد تشکل‌های کارگری، گروهی از اعضای اتحادیه آزاد کارگران ایران در شهر سنندج و جمع‌هایی از فعالین کارگری و اجتماعی در شهرهای کرمانشاه و سقز.

امضا کنندگان این نامه با اشاره به ادامه بازداشت واله زمانی به جرم ملاقات با "سسیل کوهلر" عضو فدراسیون آموزش و فرهنگ سندیکای نیروی کار فرانسه و همسرش "ژاک پاری" با اتهام واهی و نخ‌نمای همکاری با جاسوسان خارجی چنین

نوشته‌اند "هم اکنون علاوه بر واله زمانی، آنیسا اسدالهی، کیوان مهتدی، حسن سعیدی، رضا شهبانی و ریحانه انصاری‌نژاد از فعالین کارگری و رسول بداتی، جعفر ابراهیمی، محمد حبیبی، شعبان محمدی، اسکندری (سوران) لطفی و مسعود نیکخواه از فعالین معلمان نیز قبل از یازدهم اردیبهشت (روز جهانی کارگر) به اتهام جاسوسی و به جرم ملاقات با "سسیل کوهلر" و "ژاک پاری" بازداشت شده‌اند." اشاره کنیم که خوشبختانه ریحانه انصاری‌نژاد بعد از ۸۷ روز بازداشت روز گذشته به قید وثیقه آزاد شد.

در ادامه امضا کنندگان این نامه ضمن اعتراض به پرونده سازی و سناریوی سازی جعلی علیه بازداشت شدگان این پرونده بر آزادی فوری واله زمانی که

حداقلی برای تمام جامعه و البته آزادی‌های اجتماعی برای مردم ایران، نهایت تلاش خود را بکنند."

جمهوری اسلامی با سرکوبگری‌اش و با پرونده سازی‌های امنیتی و سناریوی سازی‌هایی از این دست تلاش دارد کل جامعه را عقب بزند. حزب کمونیست کارگری از اقدام این ۲۴ نهاد حمایت میکند و همه مردم و همه اکتیویست‌های جنبش‌های اجتماعی را را به اتحاد علیه سرکوبگری‌های حکومت فرا میخواند.

#اتحاد_علیه_سرکوب
حزب کمونیست کارگری ایران
۲۰ مرداد ۱۴۰۱، ۱۱
اوت ۲۰۲۲

جانش در خطر است و دیگر بازداشت شدگان در این دستگیرها تاکید کرده‌اند و در بخش پایانی آن چنین آمده است: "حکومت با سناریوسازی‌ها و تحت فشار قرار دادن فعالین بازداشتی برای اعتراف اجباری قصد دارد تا سرکوب خشن اعتراضات وسیع در سطح جامعه را به بهانه مرتبط بودن با خارج، مشروعیت ببخشد. ما امضاء کنندگان این نامه از همه نهادهای بین‌المللی کارگری و مدافع حقوق انسانی می‌خواهیم که به هر طریق ممکن بر جمهوری اسلامی فشار وارد کنند تا سریعاً واله زمانی را آزاد کنند. تنها در این صورت و با از سرگیری روند معالجه وی ممکن است که از مرگ حتمی نجات یابد. همچنین می‌خواهیم که برای آزادی سایر بازداشتی‌های نام‌برده که هر یک جرمی ندارند مگر خواست تامین رفاه

سرنگون باد جمهوری اسلامی

تجمعات بازنشستگان تامین اجتماعی در شهر

روز ۱۹ مرداد بازنشستگان اجتماعی در اعتراضات متوالی خود و علیرغم گرمای طاقت فرسای هوا، در شهرهای کرمان، رشت، اهواز، خرم آباد، بابل، کرمانشاه، اصفهان، ارومیه و شوش علیه فقر و بی‌تامینی و در اعتراض به بی‌پاسخ ماندن مطالباتشان تجمع کردند و با خشم و نفرت فراوان از سردواندن‌های حکومتیان، فریاد اعتراضشان را بلند کردند. در شوش بیش از سیصد نفر در تجمع شرکت داشتند و شعار میدادند "تورم صد در

صد، افزایش ده درصد"، حسین حسین شعارشون، دزدی و غارت کارشون"، "نه مجلس، نه دولت، نیستند به فکر ملت"، "در این تجمع بازنشستگان در مقابل دفتر کعب عمیر نماینده شورای اسلامی شهر و مسئول صندوقهای بازنشستگی مجلس یکی از کارگران با خشم و اعتراض فریاد میزند و میگوید "چرا باید هر روز کف خیابان باشیم؟ .. نفسمان را گرفتید. ستم تا کی؟ ننگ بردوگویان". در اهواز نیز بار دیگر جمعیت بزرگی از بازنشستگان تجمع و راهپیمایی کردند. آنها شعار میدادند: "معیشت، منزلت، حق مسلم ماست"، "درمان رایگان حق مسلم ماست". در رشت نیز شمار زیادی از بازنشستگان با

شعارهای "گرانی، تورم، بلای جان مردم"، "معیشت، منزلت، حق مسلم ماست"، اعتراض خود را به فقر و بی‌تامینی اعلام کرده و زندگی ای انسانی را فریاد زدند. در اراک بازنشستگان با کف زدن و شعار دادن خواستار اخراج مخبر معاون رئیس‌جمهور شدند و در کرمان نیز بازنشستگان با شعار تا حق خود نگیریم از پا نمی‌نشینیم بر تداوم اعتراضاتشان تأکید کردند. بنا بر خبرها در کرمانشاه از آغاز صبح روز نوزدهم مرداد بازنشستگان برای تجمع حضور یافتند. اما با ممانعت نیروهای امنیتی و انتظامی مواجه شدند. سرکوبگران قصد گرفتن بلندگوی تجمع کنندگان و متفرق کردن آنها را داشتند که با مقاومت بازنشستگان

روبرو شدند. در این تجمع چند نفر از بازنشستگان سخنرانی کردند و تجمع کنندگان با شعار دادن بر تداوم اعتراض خود تأکید داشتند. در پایان این تجمع بنا به گزارشها سه نفر به اسامی خانم محمدی و آقایان کرچی و زنگنه بازداشت شدند. حزب کمونیست کارگری یورش به تجمعات بازنشستگان را شدیداً محکوم کرده و بر آزادی فوری و بدون قید شرط دستگیر شدگان در تجمع نوزدهم مرداد در کرمانشاه و اسماعیل گرامی که از فروردین ۱۴۰۰ با چهار سال حکم در زندان است تأکید دارد. جامعه باید یکپارچه و قدرتمند در برابر سرکوبگرهای حکومت بایستد. نیمی از سال گذشته است و هنوز تکلیف میزان

افزایش سطح حقوق بازنشستگان روشن نیست. بازنشستگان خواستار تعیین تکلیف فوری میزان افزایش حقوقهایشان، اجرای همسان سازی و افزایش حقوقها به بالای خط فقر هستند. آنها در اعتراضاتشان و در بنرهایشان اعلام کرده اند که حقوق زیر خط فقر هجده میلیونی را قبول نمیکنند. بازنشستگان به تورم و گرانی و بی‌تامینی اعتراض دارند و دیگر رایگان یکی دیگر از مطالبات مهم آنهاست. خواستههای بازنشستگان خواستههای کل جامعه است و باید با حمایت وسیع مردم پاسخ گیرد. حزب کمونیست کارگری ایران
۱۹ مرداد ۱۴۰۱، ۱۰ اوت ۲۰۲۲



پناهجویان ایرانی در ترکیه تنها نیستند

حکم دیپورت علیرضا علیپور پناهجوی ایرانی از ترکیه به ایران متوقف شد. علی رضا علیپور به تاریخ سوم اکتبر سال ۲۰۱۴ از دفتر سازمان ملل در ترکیه تقاضای پناهندگی کرده بود و در دسامبر سال ۲۰۱۵ از سوی کمیساری عالی پناهندگان سازمان ملل تحت حمایت بین المللی قرار گرفت و بعنوان پناهنده ب

رسمیت شناخته شد. اما با این وجود اداره مهاجرت ترکیه در شهر کایسری، در ۱۳ آوریل ۲۰۲۱ علی رضا را به مصاحبه مجدد دعوت میکند و درخواست پناهندگی وی را رد میکند. او در تاریخ بیستم ماه ژوئن سال جاری هنگامی که برای تمدید کملیک خود به اداره مهاجرت مراجعه میکند وی را بازداشت و به کمپ پناهجویان دیپورتی انتقال دادند.

به مدارکی دست پیدا کرد که نشان میداد شعبه ۱۲ دادگاه انقلاب اسلامی البرز که در تاریخ ۲/۹/۱۳۹۳ درغیاب علیپورتشکیل شده بود، وی را به همدستی و تبانی با عناصر "ضدانقلاب"، تبلیغ مسیحیت و ترغیب و تشویق دیگران در جهت ترک دین اسلام به چهار سال و شش ماه زندان محکوم کرده بود.

ما در کمپینی که برای متوقف کردن حکم دیپورت علی رضا شروع کردیم و در نامه های که

فعالین فدراسیون هم خود را در خوشحالی شما عزیزان شریک میدانند.

فراخوان به پناهجویان

دوستان

عزیز، پناهجویان ایرانی، تلاش بی وقفه فدراسیون در ترکیه نشان میدهد شما تنها نیستید. اما اگر می‌خواهید صدای حق طلبی شما بیشتر شنیده شود، اگر می‌خواهید از کابوس هر لحظه بازداشت و دیپورت و تبعیض نجات پیدا کنید، اگر می‌خواهید از مشاوره و راهنمای های

کارشناسانه و رایگان و پربار بیشتر برخوردار شوید، اگر می‌خواهید هرچه زودتر و با تعداد بیشتر از ترکیه نجات پیدا کنید، لازم است همه شما عضو فدراسیون شوید و این نهاد بسیار با سابقه و خوشنام را تقویت کنید. تقویت فدراسیون به تقویت موقعیت پناهندگی شما بسیار کمک خواهد کرد. فدراسیون سراسری پناهندگان ایرانی
۱۱ اوت ۲۰۲۲

فدراسیون سراسری پناهندگان ایرانی هنگام بررسی پرونده علی رضا

خامنه ای سران سپاه را غیابا محکوم نمود.

این پیشروها علیه جمهوری اسلامی میتواند و باید ادامه یابد. باید و میتوانیم بساط حکومت اسلامی در همه کشورها را جمع کنیم و جمع خواهیم کرد. تشکیلات خارج کشور حزب کمونیست کارگری مصمم است هر گونه ابراز وجود جمهوری اسلامی در خارج از کشور را در هم بشکند. فراخون ما به همه مخالفین جمهوری اسلامی در خارج از کشور، به همه نهادها و سازمانهای مدافع حقوق انسانها و همه احزاب و سازمانها این است که همراه با مردم معترض و سرنگونی طلب در ایران هر چه فعالیت در صف مبارزه برای برچیدن بساط ننگین حکومت اسلامی در خارج کشور شرکت کنند. باید کاری کنیم که همه سفارتهای جمهوری اسلامی، این لانه های ترور و جاسوسی تعطیل شوند همانطور که در کانادا به تعطیلی کشاندیم.

زنده باد مبارزه مردم برای سرنگونی انقلابی جمهوری اسلامی! بساط حکومت اسلامی را در خارج از کشور تماما بخواهیم چید! کمیته خارج از کشور حزب کمونیست کارگری ایران

۸ اوت ۲۰۲۲ - ۱۷ مرداد ۲۰۲۲

خارج، جزئی مهم از مبارزه مردم ایران برای سرنگونی است. ما مردم جمهوری اسلامی را در داخل و خارج همزمان سرنگون خواهیم کرد.

این اولین بار نیست که تحریک نیروهای اسلامی در کانادا را در هم شکسته ایم. ۱۹ سال پیش اولین تلاش جریانات اسلامی برای راه انداختن دادگاههای اسلامی در ایالت انتاریوی کانادا با کمپین گسترده و قوی اعضا و فعالین حزب کمونیست کارگری شکست خورد و در سپتامبر ۲۰۰۵ با ممنوع اعلام شدن دادگاه های اسلامی و مذهبی (شریعه) در کانادا میدان برای ابراز وجود جریانات اسلامی از جمله شاخه شیعی این جنبش ارتجاعی به رهبری جمهوری اسلامی تنگتر شد.

در سال ۲۰۱۲ به همت اعتراضات گسترده مخالفین جمهوری اسلامی که تشکیلات خارج کشور حزب یک پای فعال همه این اعتراضات بوده است، سفارت رژیم اسلامی در کانادا بسته شد؛ سال گذشته پارلمان کانادا، اعدام زندانیان سیاسی در تابستان ۱۳۶۷ را به عنوان مصدق از "جنایت علیه بشریت" محکوم کرد و همچنین دادگاه عالی آنتاریو در کانادا شلیک به پرواز "پی اس ۷۵۲" اوکراین توسط جمهوری اسلامی را یک اقدام عمدی و براساس قوانین کیفری اقدام تروریستی نامید و

اعتراضات مخالفین، حتی جرئت نمیکردند مکان و زمان مراسم را علنی اعلام کنند.

در نتیجه تداوم اعتراضات و افشاگرها بود که اول از برگزاری مراسم در خیابان اصلی شهر محروم شدند، بعدا به خیابانهای فرعی تر رانده شدند، و بالاخره امسال مجبورشان کردیم بساطشان را حتی از خیابانهای فرعی نزدیک به مرکز شهر نیز جمع کنند و به مسجدی در حاشیه شهر اسکارپورو منتقل شوند.

رسانه های حکومتی همان اولین سال اعتراض علیه مراسم عاشورا در تورنتو، از "اعضای حزب کمونیست کارگری" به عنوان "وارثان" معترضین یاد کردند که "با هلهله شادی کشیدن و پوشیدن لباسهای رنگی" و "تمسخر عزاداران با شعار مرگ برجمهوری اسلامی یادآور عاشورای سال ۸۸ در تهران شدند و آن را زنده نگه داشتند!"

دقیقا این طور است. ما کمونیستها، ما فعالین تشکیلات خارج از کشور حزب کمونیست کارگری "وارثان" آن مردمی هستیم که در ۸۸ و بعدا خیزشهای قدرتمندتر تهبیدستان در دیماه ۹۶ و آبان ۹۸ عزم جزمشان برای سرنگونی حکومت اسلامی را در خیابانها نشان دادند. مقابله تشکیلات خارج کشور ما با هرگونه تحریک حکومت اسلامی در

بار دیگر دار و دسته حکومت اسلامی را در کانادا شکست دادیم!

بالاخره جمعیت کرایه ای از مهاجرین پاکستان و افغانستان جمع میکردند تا با "یا حسین یا حسین" گفتن و سینه زنی و عزاداری وانمود کنند که "مذهب تشیع در کانادا رشد میکند!"

اما همان اولین تحریک عاشورایی در تورنتو در ۷ سال پیش را به گامشان تلخ کردیم. به محض درز خبر چنین مراسمی، واحد کارگری حزب کمونیست همراه مخالفین سیاسی دیگر اولین مراسم عاشورای حکومتی را به نمایشی پر قدرت علیه خود حکومت اسلامی تبدیل کردیم. عاشورای حکومتی به میدان افشاگری و اعتراضی پر شور علیه تحریک ترویسیم اسلامی و راس آن حکومت اسلامی تبدیل شد که با حمایت و همدلی ایرانیان متنفر از جمهوری اسلامی مواجه شد.

اعتراض علیه تقلاهای خارج کشوری رژیم اسلامی در خارج کشور آنچنان قدرتمند بود که از سالهای بعد از ترس مواجه شدن با

بساط عاشورای جمهوری اسلامی از تورنتو برچیده شد!

روز یکشنبه ۷ اوت ۲۰۲۲ برابر با ۱۶ مرداد ۱۴۰۱، پوزه دار و دسته جمهوری اسلامی در تورنتو را به خاک مالیدیم. بالاخره در نتیجه اعتراضات هر ساله ما فعالین حزب کمونیست کارگری و مخالفین سیاسی دیگر، مراسم عاشورای حکومت اسلامی از خیابانهای فرعی مرکز شهر تورنتو هم برچیده شد و به مسجدی در حاشیه شهر اسکارپورو منتقل شد.

هفت سال پیش سفارتهای جمهوری اسلامی به فکر راه انداختن مراسم عاشورا در خارج کشور افتادند. خیابان پر جمعیت یانگ در تورنتو قرار بود به محل ابراز وجود سیاسی جمهوری اسلامی تبدیل شود. هر سال، مزدوران حکومت اسلامی در کانادا، ترکیبی از مزدوران سفارتی و خانواده هایشان، آقازاده های اعزامی به کانادا، دانشجویان اسلامی بورسیه ای، ساندیس خورهای خارج کشوری حکومت و



صدها فعال مدنی از استان لرستان خواهان آزادی سپیده رشنو شدند بیش از ۳۰۰ تن از فعالین اجتماعی در استان لرستان در نامه ای سرگشاده خطاب به مقامات جمهوری اسلامی خواهان آزادی فوری سپیده رشنو شدند. نویسندگان این نامه اعترافات اجباری سپیده رشنو را توهین آمیز و مضحک خوانده و خواهان عذرخواهی صدا و سیما حکومت شدند.

برای آزادی چهار پیشمرگ بازداشتی به خیابان می آییم



VAF A ZARBAR

وفا آذربار



HAZHIR FARAMARZI

هژیر فرامرزی



PEZHMAN FATEHI

پژمان فاتحی



MOHSEN MAROFI

محسن معروفی



برای خواهیم کرد و همه ایرانیانی که در خارج کشور هستند را به پیوستن به این آکسیونها و اقدامات لازم برای آزادی آنان فرا میخوانیم. چهار پیشمرگ بازداشتی محسن معروفی، پژمان فاتحی، هژیر فرامرزی و وفا آذربار باید فوراً و بدون قید و شرط آزاد شوند.

کمیته مبارزه برای آزادی زندانیان سیاسی
 pouyandeparisa@gmail.com
 0031682198347
 کمیته بین‌المللی علیه اعدام
 hormoz_r@hotmail.com
 0046737896505
 کمپین برای آزادی کارگران زندانی (Free Them Now)
 Shahla.daneshfar2@gmail.com
 00447435562462

شوند. ما با تمام قوا با کارزاری مشترک مقابل این سیاست جنایتکارانه حکومت می ایستیم و تلاش میکنیم که صدای اعتراض این پیشمرگان و صدای تمامی زندانیان سیاسی را جهانی کنیم. ما همگان را فرا میخوانیم که در اعتراض به این دستگیریها و سرکوبگریهای حکومت و برای آزادی فوری پیشمرگان بازداشتی دست به کار شوند. خصوصاً از مردم کردستان و مردم شهرهایی چون مهاباد، دهگلان، بوکان و کامیاران که پیشمرگان بازداشتی از اهالی آن مناطق هستند انتظار است که در کنار خانواده های آنان برای آزادی این افراد تلاش کنند.

در این راستا ما اعلام میکنیم که در روز ۱۳ اوت و روزهای نزدیک به آن در کشورهای مختلف در خارج کشور آکسیونهایی

ما سه نهاد کمیته بین المللی علیه اعدام، کمیته مبارزه برای آزادی زندانیان سیاسی و کمپین برای آزادی کارگران زندانی دستگیری و بازداشت چهار پیشمرگ نامبرده سناریوی جنایتکارانه ساختگی علیه آنان و علیه کولبران توسط جمهوری اسلامی را شدیداً محکوم کرده و خواهان آزادی فوری و بدون قید و شرط بازداشت شدگان هستیم.

ما به جمهوری اسلامی اجازه نخواهیم داد که با این ترفندها به امنیتی کردن بیشتر جامعه بپردازد و جان چهار زندانی سیاسی را وثیقه پیشبرد سیاستهای سرکوبگرانه و ضد انسانی خود قرار دهد. ما همگان را فرامیخوانیم که علیه سناریو سازی های امنیتی رژیم اسلامی قاطعانه بایستند و ضمن محکومیت شدید دستگیری این چهار نفر خواهان آزادی فوری آنها

زندانیهای جمهوری تحت شکنجه های جسمی و روحی برای گرفتن اعترافات اجباری هستند.

این تهاجمی برای امنیتی کردن هر چه بیشتر فضای اعتراضی در کل جامعه و بویژه در کردستان است. حکومت مدعی است "تجهیزات انفجاری" دستگیر شدگان از طریق کولبران به ایران وارد شده است. این پرونده سازی وقیحانه علیه محرومترین و زحمتکش ترین بخش مردم کردستان نشان میدهد که رژیم در خیال آنست که علیه کل مردم کردستان شمشیر بکشد. کولبران همیشه آماج شدید ترین سرکوبگریها و ترور و کشتار از جانب نیروهای مسلح حکومت بوده اند. اکنون حکوت در صدد تعرض تازه ای به این بخش محروم و زحمتکش طبقه کارگر است. باید قاطعانه در برابر این سیاست جنایتکارانه حکومت ایستاد.

برای آزادی چهار پیشمرگ بازداشتی به خیابان می آییم

در هفته اول مرداد ماه چهار نفر از پیشمرگان حزب کومله در منطقه سوما از توابع ارومیه به نامهای، محسن معروفی، پژمان فاتحی، هژیر فرامرزی و وفا آذربار توسط نیروهای امنیتی جمهوری اسلامی بازداشت شدند. بدنبال آن در تاریخ پنجم مرداد وزارت اطلاعات جمهوری اسلامی اعلام کرده است که این چهار نفر اعضای یک تیم "تروریستی" هستند که از سوی موساد اسرائیل برای انفجار و خرابکاری به ایران اعزام شده اند. جمهوری اسلامی با منتسب کردن این پیشمرگان به اسرائیل و پرونده سازی های جعلی و دروغین می خواهد زمینه اعدام و یا صدور احکام سنگین زندان را علیه آنها آماده سازد. قدر مسلم پیشمرگان دستگیر شده هم اکنون در